



10.22059/jis.2023.350547.1167

Research Paper

## Parthian Arsacids or Scythian Arsacids? The emergence of the Arsacid based on written sources and archaeological evidence (Sources, Obstacles and Challenges)

Hashem Kazemi<sup>1</sup> | Mostafa Dehpahlavan<sup>2✉</sup>

1. MA in Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [hmadpour7986@gmail.com](mailto:hmadpour7986@gmail.com)
2. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [mdehpahlavan@gmail.com](mailto:mdehpahlavan@gmail.com)

### Article Info.

### Abstract

**Received:**  
2022/11/18

**Accepted:**  
2023/02/05

### Keywords:

*Arsacid,  
Parthian,  
Scythian,  
Arsaces, Written  
Surces, Parthia.*

The beginning of the Parthian dynasty and the identity of Arsaces I as the head of this dynasty is one of the most mysterious parts of Parthian history. Based on the analysis of the written sources regarding the identity of Arsaces, these sources can be divided into two different historiographical traditions: one by Apollodorus and his followers Justin and Strabo, and the other by Arrian and his followers (Photius, Zosimus, Syncellus, Dio). Meanwhile, a narrative has been more welcomed among Parthian history and archeology researchers. According to this narrative, Arsaces was a Scythian who was the head of the Aparni tribe of the Dahae union. Then, based on this version of the origin of the Parthians, in the middle of the 3rd century BC, Arsaces took advantage of the confusion of the Seleucid empire in the west and together with the Aparni, captured the Seleucid state of Parthia and provided the foundation for the formation of the Parthian Empire. The main reference and the most effective spreader of the concept of nomadic and Scythian Parthians is Strabo. He was inspired by the older Hellenistic historians in understanding the origin of the Parthians, however, none of them lived before the second century BC. In this research, the researchers based on archaeological evidence and analysis of written sources, say that the Arrian historiography tradition and his followers based on the fact that Arsaces was a native Parthian are closer to the political and social realities of the Parthian period, and we argue that Arsaces I was never able to create a kingdom comparable to the Seleucid Empire, he just managed a tributary state under the rule of the Seleucids. The establishment of the Parthian kingdom based on local and Parthian elements could have taken place only after the reign of Antiochus III (223/2-187b.c). In fact, there is no direct or indirect evidence for the Parthian Empire in Iran in the 3rd century b.c. If the early Parthian kingdom had essentially a territorial foundation, it could not have been anything more than a regional power.

**How To Cite:** Kazemi, Hashem; Dehpahlavan, Mostafa (2023). Parthian Arsacids or Scythian Arsacids? The emergence of the Arsacid based on written sources and archaeological evidence (Sources, Obstacles and Challenges). *Journal of Iranian Studies*, 13 (4), 1-22.

**Publisher:** University of Tehran Press.





## اشکانیان پارتی یا اشکانیان سکایی؟ بر آمدن اشکانیان با تکیه بر منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی (منابع، ابهامات و چالش‌ها)

هاشم کاظمی<sup>۱</sup> | مصطفی ده پهلوان<sup>۲</sup>

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [hashem.kazemi@ut.ac.ir](mailto:hashem.kazemi@ut.ac.ir)  
 ۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [mdehpahlavan@gmail.com](mailto:mdehpahlavan@gmail.com)

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>شروع سلطنت اشکانیان و هویت ارشک اول به‌عنوان سرسلسله این حکومت یکی از بخش‌های رازآلود تاریخ اشکانی است. متأسفانه هیچ‌یک از تاریخ‌های متعددی که در دوران باستان در خصوص اشکانی‌ها نگاشته شده‌اند باقی نمانده و در دوره‌های متعدد از بین رفته‌اند. در نتیجه فقدان منابع موثق، برداشت‌های مدرن از دولت و حکومت اشکانی‌ها با واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی آن زمان سازگار نیست. براساس تحلیل منابع مکتوب در خصوص هویت ارشک، آن‌ها را می‌توان به دو سنت تاریخ‌نگاری تقسیم کرد: یکی متعلق به آپلودوروس و دنبال‌کنندگان او، یوستین و استرابو، و دیگری به‌وسیله آریان و دنبال‌کنندگان او (فوتیوس، زوسیموس، سینکلس، دیو). در این میان، یک روایت در میان پژوهشگران تاریخ و باستان‌شناسی اشکانی مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است. براساس این روایت، ارشک یک سکایی بود که ریاست قبیله پارتی از اتحادیه داهه را برعهده داشت. سپس، باتوجه به این نسخه از منشأ اشکانی‌ها، در اواسط قرن سم پ.م. ارشک از آشفتگی حکومت سلوکی در غرب استفاده می‌کند و به همراه پارنی‌ها ایالت پارت سلوکی را به تصرف خود درمی‌آورند و زمینه شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی را فراهم می‌کنند. مرجع اصلی و مؤثرترین اشاعه‌دهنده مفهوم اشکانیان کوچ‌رو و سکایی استرابوست. وی در شناخت ریشه اشکانی‌ها از مورخان قدیم‌تر هلیستی الهام گرفته، با این حال هیچ‌یک از آن‌ها قبل از قرن دوم پیش از میلاد زندگی نکرده‌اند. در این تحقیق، نگارندگان با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی و تحلیل منابع مکتوب سنت تاریخ‌نگاری آریان و دنبال‌کنندگان وی مبتنی بر بومی و پارتی بودن ارشک را به واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی زمان اشکانی نزدیک‌تر می‌دانند. همچنین استدلال خواهد شد که ارشک اول هرگز نتوانسته حکومتی هم‌اورد با امپراتوری سلوکی را تأسیس کند، بلکه وی تحت سلطه سلوکی‌ها یک حکومت خراج‌گذار را اداره می‌کرد. تأسیس</p>	<p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۱/۰۸/۲۷</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۱۱/۱۶</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> اشکانیان، پارتیان، سکایی‌ها، ارشک، منابع مکتوب، پارت.</p>

شاهنشاهی اشکانی با تکیه بر عناصر بومی و پارتی می‌تواند فقط پس از سلطنت آنتیوخوس سوم (۱۸۷-۲ / ۲۲۳) صورت گرفته باشد. درحقیقت، هیچ شاهدهی، مستقیم و غیرمستقیم، برای شاهنشاهی اشکانی در ایران در قرن سوم وجود ندارد. اگر حکومت اولیه اشکانیان اساساً دارای یک بنیاد سرزمینی بود، نمی‌توانست چیزی فراتر از یک قدرت منطقه‌ای بوده باشد.

**استناد به این مقاله:** کاظمی، هاشم؛ ده‌پهلوان، مصطفی (۱۴۰۲). اشکانیان پارتی یا اشکانیان سکایی؟ برآمدن اشکانیان با تکیه بر منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی (منابع، ابهامات و چالش‌ها). *فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳ (۴)، ۱-۲۲.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. درآمد

فلات ایران، در طول تاریخ خود تا به امروز، صحنه همزیستی جمعیت‌های کوچ‌رو و یکجانشین بوده است. این تعاملات و همزیستی‌ها در برخی از موارد به تحولات بزرگی در هر دو گروه کوچ‌رو و یکجانشین منجر شده است. در این میان، مرزهای شمالی و به‌ویژه مرز شمال‌شرقی ایران (فرهنگی) نمونه‌های منحصربه‌فردی به حساب می‌آیند. مرزهای یادشده همواره صحنه قدرت‌گیری، مهاجرت‌ها و هجوم‌های مختلفی بوده‌اند؛ از مهاجرت ماد و پارس‌ها گرفته تا قدرت‌گیری (هجوم؟) پارت‌ها و هجوم اقوام ترک (سلجوقیان، غزنویان و...). در طول مرزهای ذکرشده در دوره‌های گوناگون، جمعیت‌های مختلف با نژادهای متفاوت عمدتاً به صورت کوچ‌رو زندگی می‌کرده‌اند. یکی از این گروه‌های جمعیتی سکاها هستند. سکاها یک گروه عظیم بیابانگرد بودند، با طوایف گوناگون که تفکیک طوایف آن‌ها از یک دیگر دشوار است (تالپوت رایس، ۱۳۸۸: ۱۳). با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و منابع مکتوب، شواهدی از برقراری روابط در سطوح فرهنگی و سیاسی بین جوامع کوچ‌رو سکایی و شاهنشاهی اشکانی به دست آمده است (البریخت، ۲۰۱۵: ۳۳۶-۳۳۷). پی بردن به روابط متقابل بین شاهنشاهی اشکانی و کوچگران، با توجه به قائل شدن خاستگاهی کوچگرانه و سکایی برای اشکانی‌ها، ضرورت تحقیق در این زمینه را چندان می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی دوره اشکانی از منظر توجه به خاستگاه آن‌ها و تأثیر عناصر سکایی در بدنه جامعه ایران زمان اشکانی‌ها هنوز در آغاز راه خودش است. تحقیقات روستاوزف<sup>۱</sup> (۱۹۳۶) و لوزینسکی (۱۹۵۶) از جمله نخستین کوشش‌ها در زمینه ارتباط سکاها و به طور کلی جوامع کوچ‌رو با اشکانیان است. این دو در نوشته‌های خود به بررسی ارتباط اقوام استپی، به‌ویژه سرمت‌ها با اشکانی‌ها، پرداخته‌اند. در نوشته‌های دیگری نیز، به اهمیت اقوام حاشیه شمالی و شمال خاوری ایران پرداخته شده است؛ از جمله: کوشلنکو (۱۹۶۸) و ساریاندی (۱۹۹۸). افزون بر این، ولسکی (۱۹۹۳) به اهمیت قرار گرفتن نیروهای پویای آسیای مرکزی در مطالعات مرتبط با شاهنشاهی اشکانی اشاره می‌کند.

البریخت نیز (۱۹۹۷؛ ۲۰۱۵) تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه بعضی از دوره‌های روابط پارتیان با اقوام کوچگر در پهنه آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز انجام داده است.

کید<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) و استروتمن (۲۰۱۶) نیز از کسانی هستند که با استفاده از نظریاتی جدید محققان این

1. Rostovtzeff

2. Kidd

زمینه را به بازنگری در مطالعات خویش دعوت می‌کنند. این دو پژوهشگر در پژوهش‌های خودشان از تأثیر محدود عناصر کوچ‌روی در توسعه پارتی سخن به میان می‌آورند. از دیگر کسانی که به صورت جسته و گریخته به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به هاووزر<sup>۱</sup> (۲۰۱۳ الف و ب) و اورتم (۲۰۱۶: ۲۰۲۱) اشاره کرد. این دو در پژوهش‌های خود به صورت کلی زمینه‌های شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی در ارتباط با اقوام کوچ‌رو را بررسی کرده‌اند.

### ۳. قیام ارشک، ظهور پارنی‌ها و واکنش سلوکی‌ها

در آغاز، او (ارشک<sup>۲</sup>) و کسانی که جانشین او شدند ضعیف بودند (استرابو، ۹، ۱۱، ۲). با توجه به تحلیل منابع نوشتاری معدود به‌جای‌مانده، امروزه برآمدن اشکانیان با چنین نوشتاری همراه می‌شود: «تحت رهبری ارشک اول، پارنی‌ها ایالت پارت سلوکی را فتح کرده و زمینه را برای ایجاد و توسعه شاهنشاهی اشکانی به وجود آوردند» (فرای، ۱۹۸۴: ۲۰۸؛ آلبریخت، ۲۰۰۳: ۷۳-۷۵؛ شهبازی: ۱۹۸۶). از نظر زمانی، قیام پارتی‌ها را اندکی پس از قیام یونانی-باختری تاریخ‌گذاری می‌کنند. از نظر دیواز (۱۹۳۸: ۹۸) شورش باختریان علیه حاکمیت سلوکی پارتی‌ها را ترغیب به عملی مشابه کرد. قیام پارتی‌ها علیه حکومت سلوکی اندکی قبل از ۲۴۷ رخ داد.

پی بردن به خاستگاه اشکانیان و چگونگی روابط این قوم با امپراتوری سلوکی به‌منزله قدرت حاکم و برتر آن زمان در خاور نزدیک و فلات ایران و همچنین تاریخ دقیق استقلال اشکانیان از امپراتوری سلوکی و واکنش سلوکی‌ها به خودمختاری شخصی به نام ارشک از جمله بخش‌های مبهم و مهم ایران زمان اشکانی‌ها هستند.

امروزه روی کار آمدن اشکانیان را در نتیجه توسعه‌طلبی جوامع سکایی (پارنی‌ها<sup>۴</sup>) و به رهبری شخصی به نام ارشک در میانه سده سوم می‌دانند (شیپمان، دانشنامه ایرانیکا، ۵/۲: ۵۲۵-۵۳۶). اما در این زمینه، هنوز هویت فردی به اسم ارشک و قومی به نام پارنی در منابع مکتوب مشخص نیست. همچنین، اطلاعات چندانی در خصوص زمان، میزان و گستره ورود (حمله-مهاجرت) پارنی‌ها تحت رهبری ارشک به ایالت پارت و تغییرات سیاسی و فرهنگی ناشی از آن در دست نیست. افزون بر این، منبع دقیقی وجود ندارد که نشان دهد ایالتی به اسم پارت هم‌زمان با ورود پارنی‌ها چه گستره‌ای داشته است و پارنی‌های مذکور در بدو ورودشان در کدام قسمت از این ایالت ساکن شدند؟ یا اینکه، آیا حکومت کوچک پارت در

1. Hauser

2. Arsaces

۳. از این پس، تمام تاریخ‌های ذکر شده در این پژوهش پیش از میلاد هستند.

4. Parni.

نیمه دوم سده سوم تحت رهبری ارشک اول توانسته است استقلال کامل خود را به دست آورد؛ اگر توانسته‌اند، واکنش سلوکیان به این اقدام چه بوده است؟

در ابتدای امر، دانستن این موضوع حائز اهمیت است که در زمان آنتیوخوس سوم (۲۱۸۷-۲۲۳) امپراتوری سلوکی به بیشترین وسعت خود می‌رسد. برای نخستین بار پس از مرگ آنتیوخوس سوم در ۱۸۷ بود که احتمالاً پارتیان، تحت رهبری فرهاد اول، حملات جدی و گسترده‌ای را در برابر مردم شمال البرز شروع کردند (شروین وایت و کوهرت، ۱۹۹۳: ۸۹). تا قبل از آن، تمرکز قدرت ارشک و همراهانش در پارت شمالی بوده و نه ایالت پارت (خراسان امروزی). در ادامه، جانشینان فرهاد شروع به تسخیر و سکونت دادن مردم خود در نواحی جنوبی البرز کردند؛ روندی که تا زمان یکی از بزرگ‌ترین فاتحان پارتی، مهرداد اول در ایران نیز ادامه پیدا کرد (همان). احتمالاً تنها پس از این زمان است که قومس (هکاتوم‌پیلوس؟)<sup>۱</sup> به فتوحات پارتی افزوده شده است (استرابو، ۱، ۹، ۱۱). با این تفاسیر، با توجه به زمان نخستین ورود جدی اشکانیان (۱۸۷) (شروین وایت و کوهرت، ۱۹۹۳: ۸۹) به شمال شرق امپراتوری سلوکی، به نظر می‌رسد استقلال کامل پارت از حکومت سلوکی در میانه سده سوم مردود باشد. گفته‌های استرابو (۱، ۹، ۱۱) نیز این فرض را قوی‌تر می‌کند. در این خصوص وی عنوان می‌کند:

پس از آن، ارشک یک سکایی به همراه پارنی‌های کوچ‌رو، که قبیله‌ای از داهه‌ها بودند که در کرانه‌های اوخوس زندگی می‌کردند، به پارت حمله کرد و خود را بر آن مسلط کرد. در ابتدا هم ارشک و هم جانشینان او در ادامه جنگ‌هایی که داشتند ضعیف شدند.

طبق نظر استرابو، نحوه حضور ارشک و پارنی‌ها در ایالت پارت در ابتدای امر همراه با موفقیت و پیروزی برای آن‌ها نبوده است و ظاهراً موفق به تشکیل حکومت مستقلی نشده‌اند.

سلطنت سلوکوس دوم، کالینیکوس (حک ۲۲۶-۲۴۶) برای درک امروزی استقلال پارتی‌ها بسیار مهم است. براساس دیدگاه متعارف، سلوکوس علیه اشکانیان لشکرکشی کرد، اما ظاهراً نتوانست از ایجاد یک دولت مستقل اشکانی تحت حکومت ارشک جلوگیری کند. ازین‌رو، مورخان سلطنت سلوکوس دوم را نقطه تحول اساسی در تاریخ ایران و آسیای مرکزی و نقطه استقلال پارتی‌ها از سلوکی‌ها می‌دانند. یوستین (۴۱، ۴، ۹) در گزارش خود از شکست سلوکوس دوم در مقابل ارشک اول سخن به میان می‌آورد. پس از آن، در ادامه وی از اتحاد آنتیوخوس سوم و ارشک دوم خبر می‌دهد (یوستین، ۴۱، ۵، ۸) در ادامه این دفتر، یوستین از موفقیت‌های بعدی پارتی‌ها به رهبری فریپاتیوس<sup>۲</sup>، فرهاد اول و مهرداد اول خبر می‌دهد و ظاهراً شکست‌های سلوکوس و آنتیوخوس را پایان کار سلوکی‌ها در شرق امپراتوری خود و آغاز توسعه‌طلبی پارتی‌ها می‌داند. جوزف ولسکی (۱۹۹۳، ۵۱؛ ۱۹۴۷: ۱۳-۷۰). با پیروی از گفته‌های یوستین

1. Hecatompylos.

2. Phriapatius.

پیوسته از این دیدگاه حمایت می‌کرد که تهاجم به ایالت پارت توسط قومی معروف به پارنی (که از نظر او در تاریخ ۲۳۹/۸ به وقوع پیوست) برای سلوکیان یک فاجعه بود و امپراتوری آن‌ها را به دو نیم تقسیم کرد. این در حالی است که به نظر می‌رسد، با توجه به گزارش استرابو و برخلاف نظر یوستین، مراحل اولیه لشکرکشی به شرق برای سلوکوس دوم به خوبی پیش رفته است. او بابل را آرام و ماد را تقویت کرد و بخش اعظم پارت را بازپس گرفت و ظاهراً ارشک اول را مجبور به فرار به سمت استپ‌های آسیای مرکزی کرد (اورنم، ۲۰۲۱: ۱۰۶). استرابو (XI.۸.۸) عنوان می‌کند: «ارشک بعدها، وقتی از سلوکوس کالینیکوس گریخت (φεύγων) به کشور آپاسیاکاها<sup>۱</sup> عقب‌نشینی کرد.»

اگر چه، هیچ مدرکی مبنی بر پیروزی نهایی سلوکوس بر ارشک وجود ندارد، گزارش استرابو را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. حال با فرض پیروزی ارشک (پیروی از گزارش یوستین) در مقابل سلوکوس، نهایتاً ما شاهد هستیم که در زمان آنتیوخوس سوم (۲۱۸-۲۲۳) امپراتوری سلوکی به بیشترین وسعت خود می‌رسد؛ به طوری که در اوایل ۲۰۹، ارتش سلوکی به رهبری آنتیوخوس سوم، پارتی‌ها را احتمالاً برای دومین بار تسلیم کرد و پس از این تاریخ هیچ مدرک مستقیمی مبنی بر درگیری اشکانی‌ها با سلوکی‌ها تا اواسط قرن دوم وجود ندارد (استروتمن، ۲۰۱۸: ۱۲۹).

با توجه به گزارش یوستین<sup>۲</sup> با فرض وجود یک توافق و اتحاد دوجانبه میان سلوکی‌ها و اشکانی‌ها در نخستین لشکرکشی آنتیوخوس، می‌توان به سیاست‌های احتمالی به کار گرفته شده توسط شاهان سلوکی در قبال اشکانی‌ها برای اداره حکومت خود پی برد. به این صورت که با توجه به اقتضای زمان و درگیری امپراتوری سلوکی در مرزهای غربی خود و بی‌ثباتی سیاسی مرزهای شرقی به دلیل جنبش جوامع کوچ‌رو، این احتمال وجود دارد که سلوکی‌ها از ارشک و پارنی‌ها به‌عنوان عنصری قدرتمند برای حفظ اقتدار خود در شرق امپراتوری استفاده کرده باشند. مشابه این عمل را سلوکی‌ها در قبال اوتیدوموس به‌مراتب قدرتمندتر از ارشک انجام داده‌اند؛ به طوری که، طبق گزارش پولیبیوس، اعلام استقلال باختر سبب شد پادشاه سلوکی، آنتیوخوس سوم، تصمیم به محاصره باختر، پایتخت حکومت تازه استقلال پیدا کرده یونانی-باختری، بگیرد. اوتیدوموس (دیودوتوس) پادشاه حکومت یونانی-باختری، درخواست صلحی تهدیدگونه را به آنتیوخوس تحمیل می‌کند که به شرح زیر است:

اگر آنتیوخوس به درخواست من نپیوندد، وضعیت هر دو طرف ناامن خواهد شد. تعداد زیادی از قبایل کوچ‌گر در مرز جمع شده‌اند که تهدیدی را برای هر دو ما ایجاد می‌کنند و اگر بربرها از مرز عبور کنند بدون شک زمین را تسخیر خواهند کرد پولیبیوس، (۵/۳۴/۱۱).

آنتیوخوس از حمله و تصرف باختر به دلیل خطر اقوام کوچ‌رو دست کشید، تا باختر بتواند نقش خود را

1. Apasiacae.  
2. Justian41.5.8.

به‌مثابه سدی محکم در مقابل این اقوام ایفا کند. موضوع استفاده از پارنی‌ها به‌عنوان یک سپر دفاعی مهم، با در نظر گرفتن این فرض که تمرکز قدرت ارشک و همراهانش در ابتدا در پارت شمالی بوده و نه ایالت پارت (خراسان امروزی) یقین بیشتری پیدا می‌کند. این منطقه (پارت شمالی) از سمت جنوب با مرزهای شمالی هیرکانیا و مارگیانا، از سمت شرق با رودخانه جیحون، از سمت غرب با دریای خزر و از سمت شمال با منطقه وسیع استپی، که محل سکونت قبایل نیمه‌کوچ‌رو متعددی بود، هم‌مرز می‌شد (لرنر، ۱۹۹۹: ۱۷). محدوده‌ای مشابه محدوده بالا نیز از طرف یوستین (۱۰۱، ۴۱) پیشنهاد می‌شود.

اگر پارتی‌های (parthi) اشاره‌شده توسط یوستین را همان پارنی‌های (parni) استرابو تلقی کنیم، این منطقه به دلیل موقعیت مناسب خود می‌توانسته مانعی مستحکم برای جلوگیری از ورود مهاجمان به درون مرزهای امپراتوری سلوکی بوده باشد. درحقیقت، سلوکی‌ها توانسته‌اند خطر قبایل کوچ‌رو شمالی را از طریق مردمانی (ارشک و پارنی‌ها) از جنس آن قبایل و با نیروی تدافعی بسیار قوی کنترل کنند. حتی می‌توان پا را فراتر گذاشت و عنوان کرد که حضور بعدی پارنی‌ها در ایالت پارت (خراسان امروزی) به دستور سلوکی‌ها و برای کنترل شورش احتمالی آندراگوراس و ساکنان اصلی پارت صورت گرفته باشد. درواقع، اولین شواهدی که ما از پارنی-اشکانی‌ها<sup>۱</sup> در اختیار داریم، مواد باستان‌شناسی مجموعه‌ای است که به‌عنوان پارت شمالی نام‌گذاری شده است (لرنر، ۱۹۹۹: ۱۷؛ کالج، ۱۹۹۷: ۱۴۳؛ البریخت، ۱۹۹۸: ۱۲-۲۳؛ شروین وایت و کوهرت، ۱۹۹۳: ۸۹). با این تفاسیر، اگرچه آغاز عهد اشکانی را به طور سنتی با زمان تسخیر ساتراپی پارت (خراسان امروزی) پیوند می‌دهند، ارتباطی حقیقی در این بین وجود ندارد. برخلاف این تصور سنتی، دوران حکومت ارشک و اشکانی‌ها می‌تواند زمانی آغاز شده باشد که پارنی‌ها ارشک را به‌عنوان رهبر خود به رسمیت شناخته‌اند و پس از آن شروع به تشکیل یک دولت واحد در شمال پارت کرده‌اند. اولین مکان‌های مورد سکونت ارشک و پارنی‌ها (نظر استرابو) یا پارتی‌ها (نظر یوستین) یعنی نیسا<sup>۲</sup>، آساک (آرشاه)<sup>۳</sup>، دارا<sup>۴</sup> نیز هم‌زمان با ساکن شدن تدریجی آن‌ها در این ناحیه (شمال پارت) ایجاد شده‌اند و نه در خراسان ایران و جنوب البرز. با این فرض، شکست پارنی‌ها و ارشک در مرو در سال ۲۸۰ توسط دیودوتوس و متعاقب آن فتح احتمالی پارت به‌وسیله ارشک در سال ۲۵۰ (?) پس از شروع دوران اشکانی در شمال پارت اتفاق افتاده است (ده‌پهلوان، ۱۳۸۹: ۲۶-۳۸؛ آثار، ۲۰۰۴: ۷۷؛ لرنر، ۱۹۹۹: ۱۷). اگر فرض ورود پارنی‌ها به رهبری ارشک به ایالت پارت (خراسان امروزی) درست باشد، ظاهراً آن‌ها نتوانسته‌اند به استقلال کامل برسند. ایالت پارت و پارت‌ها در زمان آنتیوخوس سوم (۱۸۷-۲۲۲/۳) هنوز به طور رسمی به‌عنوان دست‌نشانندگان سلوکی‌ها در نظر گرفته می‌شدند (لرنر، ۱۹۹۹: ۱۷).

۱. برای آگاهی بیشتر درخصوص روابط بین اشکانی‌ها و قبایل کوچ‌رو آسیای مرکزی بنگرید به: (البریخت، ۲۰۱۵: ۳۴۱-۳۷۶).

2. Nisa

3. Asaak (Arshah)

4. Dara (Thara, Darium)



#### ۴. شواهد سکه‌شناسی

افزون بر موفقیت‌های سلوکی‌ها در زمینه‌های نظامی (کشورگشایی‌های صورت‌گرفته توسط آنتیوخوس سوم) و اقتصادی (نظیر برقراری روابط تجاری با هند و آسیای مرکزی) موارد دیگری چون شواهد سکه‌شناسی نیز عدم استقلال پارت از سلطه سلوکی‌ها در سده سوم و احتمالاً تا میانه سده دوم را تأیید می‌کنند. یوستین در گزارش خود درباره قیام ارشک یوستین (۵,۴,۴۱) این قیام را هم‌زمان با قیام دیودوتوس باختری می‌داند. به گفته یوستین، دیودوتوس، برخلاف ارشک، برای خود عنوان شاهی اتخاذ می‌کند. ادعای یوستین مبنی بر اینکه دیودوتوس، ساتراپ باکتریا، عنوان شاهی را اتخاذ کرد با ظاهر شدن عنوان ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΙΟΔΟΤΟΥ بر روی سکه‌های باختری تأیید می‌شود. درست برخلاف دیودوتوس، شاهان اشکانی در این دوره به طور مداوم از عناوین سلطنتی استفاده نمی‌کرده‌اند. سرپوش آن‌ها نیز گرچه به وسیله یک روبان- دیهیم بسته می‌شد، سرپوشی بود که ساتراپ‌های هخامنشی بر سر می‌گذاشتند (دابروا، ۲۰۰۸: ۲۶). ارشک سکه‌هایش را با نام خودش ضرب می‌کرد یا با عنوان «Arsakes Autokrator» (ارشک خودمختار). او از این عنوان جهت نافرمانی از سلطه سلوکی‌ها استفاده نکرده است، بلکه برعکس، این عنوان احتمالاً از طرف سلوکوس دوم به‌عنوان یک امتیاز و به نوعی یک هدیه (در مقابل تسلیم کردن خود به امپراتوری سلوکی) به وی اهدا شده بود. به بیان ساده، مفهوم استقلال اشکانی در دوره ارشک اول توسط تمثال خود ارشک بر سکه‌هایش پشتیبانی نمی‌شود (استروتمن، ۲۰۱۸: ۱۳۱؛ شروین وایت و کوهرت، ۱۹۹۳: ۸۹؛ وُرت، ۱۹۰۳: ۱-۲).

سلوود (۲۰۰۶: ۲۷۹-۲۸۰) به نقل از بیوان<sup>۱</sup> معتقد است لقب «اتوکراتر» در سنت سلوکی به معنای «سردار برگزیده» است. در سکه‌های بعدی ارشک یکم، به جای لقب اتوکراتر از واژه آرامی krmny استفاده می‌شود. این واژه ممکن است با نام کارن (یکی از هفت قوم قدرتمند ایران هم‌زمان با اشکانیان) هم‌ریشه باشد، ولی در کاربرد هخامنشی برابر واژه στρατηγός است که به معنای سردار ارتش است<sup>۲</sup> (گلیسون، ۱۸۹۷: ۳۱۰). طبق نظر سلوود (۱۹۸۰: ۲۸) پس از ارشک اول حکومت به پسرش ارشک دوم می‌رسد. سلوود سکه‌های نوع ۵ و ۶ را متعلق به او می‌داند. در پشت این سکه نیز، به‌مانند سکه‌های ارشک، هیچ عنوان سلطنتی به کار نرفته و فقط به استفاده از نام ارشک بسنده شده است<sup>۳</sup>. پس از او،

۱. هرچند با رجوع به منبع ارائه‌شده (Bevan, 1902) از سوی سلوود چنین اشاره‌ای رویت نشد.

۲. شوریختانه مترجم کتاب تاریخ کمبریج و مقاله سلوود جمله‌ای از خود به کتاب افزوده که موجبات گمراهی در برگردان این واژه را برای مورخان و پژوهشگران فارسی زبان فراهم ساخته است. توصیه می‌شود به کتاب تاریخ ایران کمبریج زبان اصلی مراجعه شود.

۳. درخصوص اطلاع از نسبت ارشک اول و دوم و همچنین آگاهی از ماهیت کلمه «ارشک» رجوع کنید به: رضاخانی ۱۳۸۳.

فری‌یافت و سپس پسرش فرهاد یکم به سلطنت می‌رسند. سلوود به این دو شاه سکه‌ای نسبت نداده و معتقد است در این زمان سرزمین پارت تحت حاکمیت مطلق سلوکیان بوده است (همان).

به احتمال زیاد، استقلال کامل و اولیه اشکانی‌ها و به دنبال آن ظهور عناوین سلطنتی روی سکه‌های آن‌ها، در جریان لشکرکشی شرقی آنتیوخوس سوم در سال ۲۱۰ متوقف شد. در این لشکرکشی، ضربخانه‌های اشکانی تحت کنترل سلوکیان قرار گرفت و این روند احتمالاً تا زمان سلطنت مهرداد اول (حدود ۱۳۸-۱۷۱) نیز ادامه داشته است (لرنر، ۲۰۱۷: ۶؛ آثار، ۲۰۰۴: ۸۰).

به‌طور کلی، یافته‌های تصویری و متنی سکه‌های اشکانی اولیه آن‌ها را به‌عنوان فرماندار یا حاکم محلی نشان می‌دهند که از عنوان شاهی استفاده نمی‌کنند. این سکه‌ها برای اولین بار با حضور ارشک که در اواسط قرن سوم به‌عنوان رهبر قبیله پارنی در ایالت آستاوئن<sup>۱</sup> (بخشی از استان سلوکی پارت) در دره رودخانه اترک بالایی مورد ضرب قرار گرفتند، در این زمان ارشک در آساک<sup>۲</sup>، یا آرساکیا، (پایتخت آستاوئن) به‌عنوان رهبر اشکانی‌ها برگزیده شد (لرنر، ۲۰۱۷: ۷).

برای نخستین بار در زمان مهرداد اول (حدود ۱۳۸-۱۷۱) است که با فتح مارگیانا، آریا، ماد و میان‌رودان حضور اشکانی‌ها به‌عنوان یک دولت مقتدر بر همگان آشکار می‌شود. هرچند در این زمان نیز دولت سلوکی، اگرچه بخش قابل‌توجهی از قلمرو خود را از دست داده بود، همچنان از پتانسیل انسانی و مادی گسترده‌ای برخوردار بود. بر همین اساس، هم‌زمان با نخستین ظهور عناوین سلطنتی بر پشت سکه‌های مهرداد اول و استفاده از عنوان شاه «ΒΑΣΥΛΕΩΣ» تغییراتی نیز در شمایل‌نگاری و عناوین استفاده‌شده در سکه‌ها مطابق با سکه‌های سلوکی و آداب و رسوم یونانی پدید آمد (کوشلنکو، ۱۹۶۸: ۵۸). از جمله این تغییرات حذف دیفروس<sup>۳</sup> (چهارپایه بی‌پشت) از پشت سکه‌ها و جایگزینی آن با أمفالوس<sup>۴</sup> (سبد برگشته<sup>۵</sup>) معروف معبد دلفی است. چنین تغییراتی در کنار استفاده از القابی چون فیل هلن از جانب برخی از محققان تاریخ و باستان‌شناسی اشکانی، سیاست تبلیغاتی آن‌ها در تعامل با دیگر اقوام قلمداد شده، سیاستی که در آن زمان مهرداد اول برای جلب رضایت مناطق یونانی‌نشین مورد تصرف خود به کار برد (دوبروا، ۲۰۰۸: ۲۹؛ لرنر، ۲۰۱۷: ۱۰).

از نظر امیرمهدی بدیع (۱۳۸۴: ۱۷-۱۸) یونانی‌دوستی اشکانی‌ها سستی است که آن‌ها نه به صورت تصادفی، بلکه با برنامه‌ریزی قبلی، به طور تمام و کمال، از هخامنشی‌ها تقلید کرده‌اند. وی عنوان می‌کند اشکانی‌ها از آنجا که تمایل داشتند به‌عنوان وارثان تمام‌عیار هخامنشی‌ها شناخته شوند، به وام‌گیری‌هایی نظیر این پرداخته‌اند.

1. Astauene.
2. Assak.
3. Diphros
4. Omphalos
5. Up-turned basket

حتی مهرداد اول در ابتدا فقط از عنوان «ΑΡΣΑΚΟΥ» (ارشک) بر پشت نخستین سکه‌هایش استفاده می‌کرد؛ اما پس از تهاجم و افزودن بخشی از ایالت باختر، مارگیانا و آریا به قلمرو خود، عنوان «ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΡΣΑΚΟΥ» (شاه ارشک) را برگزید. در ادامه، پس از گسترش دامنه نفوذ خود به ماد و میان‌رودان، لقب او به «ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΝ ΑΡΣΑΚΟΥ» (ارشک شاه بزرگ) تغییر کرد (نصراله‌زاده و گرشاسبی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). در زمان مهرداد دوم، که شاهنشاهی اشکانی به بیشترین وسعت خود می‌رسد، شمایل‌نگاری، القاب و عناوین استفاده‌شده در سکه‌ها بیشتر در راستای تأکید بر سنت‌های ایرانی و در خدمت حفظ انسجام شاهنشاهی به کار گرفته می‌شدند. این در حالی است که تبلیغات ارشک و جانشینانش تا قبل از مهرداد اول گواه بر نیاز آن‌ها در تنظیم اهدافشان با الزام‌های سیاسی زمانشان بود (دابروا، ۲۰۰۸: ۳۰).

در زمان مهرداد دوم، وی در قامت یک شاهنشاه دیگر الزامی به استفاده از عنوانی خاص برای کنترل یا برقراری ارتباط با قومی خاص ندارد، پس در این زمان است که وی اقتدار اشکانی‌ها را با اتخاذ لقب «ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ» (ارشک شاه شاهان) به شرق و غرب شاهنشاهی خود نشان می‌دهد.

به‌طور کلی، در دوره اشکانی، با توجه به ایدئولوژی‌های سیاسی به کار گرفته شده در سکه‌ها، تا کنون موفق به درک درستی از گرایش‌های مذهبی، قومی و سیاسی شاهان اشکانی نشده‌ایم. تبلیغات و چهره‌نگاری به‌کارگرفته‌شده در سکه‌های اشکانی مطابق با شرایط سیاسی زمان هر حاکم یا شاه تغییر می‌کند. با وجود این، براساس شواهد سکه‌شناسی می‌توان عنوان کرد اگر اشکانیان اولیه موفق به تشکیل یک حکومت شده‌اند، فراتر از یک پادشاهی منطقه‌ای نبوده است.

## ۵. اشکانی، پارتی، پاراتاکنی<sup>۱</sup>، پارنی<sup>۲</sup>؟ بحران نام و نژاد

پس از سلوکیان، سلسله‌ای در فلات ایران روی کار می‌آید که به‌تبع بنیان‌گذار آن، یعنی ارشک اول، اشکانی و از این جهت که نخستین مرکز شکل‌گیری حکومت آن‌ها در ایران، استان سابق هخامنشی یعنی پارت بود، پارتی خوانده می‌شوند (البراک، ۲۰۲۱: ۱). نکته مشترک همه بحث‌ها درباره اشکانی‌ها غالباً دو سؤال اساسی است: اشکانیان از کجا آمده‌اند؟ ارشک، رهبر آن‌ها، کیست؟ نظر به اینکه که منابع ما در این خصوص یا ناقص‌اند یا توسط مورخانی نوشته شده‌اند که اکثراً با وقایع موردبحث هم‌عصر نیستند، موجب اختلاف‌ها و چالش‌هایی در این زمینه شده‌اند.

1. Parthi
2. Parataceni
3. Parni

مثلاً نام ساتراپ سلوکی در ایالت پارت به طور متفاوتی آندراگوراس<sup>۱</sup> توسط یوستین (۷،۴،۴۱) فرکلس<sup>۲</sup> توسط فوتیوس (کتابخانه فوتیوس، نسخه ۲،۵۸) و آگاتاکلس<sup>۳</sup> توسط سینکلوس (۲۸۴ب) بیان شده است. درخصوص هویت ارشک و اشکانی‌ها استرابو (۲/۹/۱۱) گزارش می‌کند:

[...] سپس ارشک سکایی به همراه برخی از داهه‌ها (منظور آپارنی‌هایی که در کنار اخوس به صورت کوچرو زندگی می‌کردند) به پارت حمله کرده و آن را فتح کرد. ارشک و جانشینانش در آغاز به خاطر جنگ‌های مکرر ضعیف شدند [...].

اوج سردرگمی استرابو درخصوص هویت ارشک و حتی پارتی‌ها در قسمت سوم از بخش نهم همین دفتر (۳/۹/۱۱) است؛ جایی که وی عنوان می‌کند:

برخی می‌گویند پارتی‌های داهه‌ای سکایی هستند، در صورتی که این نظر مورد قبول همه نیست. از نظر برخی ارشک، سکایی است در حالی که برخی دیگر او را باختری میدانند {...} .

با توجه به یوستین (۴-۱/۴۱) قیام پارتی‌ها به رهبری دو برادر به نام‌های ارشک و تیرداد، به برکناری و کشته شدن آندراگوراس ساتراپ سلوکی آتیوخوس دوم (حک ۲۴۷-۲۶۱) و زمینه‌ساز ظهور پارتیان منجر شد. یک نسخه سوم و البته مفصل‌تری را می‌توان در روایت آریان (پارتیکا بخش ۱، به نقل از: فوتیوس ۵۸) در این مورد یافت. طبق این روایت، یکی از دو برادر، ارشک یا تیرداد، توسط ساتراپ سلوکی مورد اهانت قرار گرفته و در تلافی این عمل، برادران به همراه پنج شخص دیگر فرد مجرم را کشته و مردم را به قیام ترغیب کردند. سینکلوس (۲۸۴ب) تأکید می‌کند که طایفه اشکانی نسبشان به اردشیر هخامنشی می‌رسد. درحالی که فوتیوس (کتابخانه فوتیوس، نسخه ۲،۵۸) گواهی می‌دهد که ارشک و تیرداد از نوادگان فریپاتیوس<sup>۴</sup> پسر ارشک هستند. درنهایت، آریان (پارتیکا بخش ۱، به نقل از: فوتیوس ۵۸) و دنبال‌کنندگان او معتقدند که ارشک به مدت دو سال حکومت کرد و پس از او تیرداد به حکومت رسید. تیرداد مدت طولانی‌تری نزدیک به ۳۷ سال حکومت می‌کند. این در حالی است که از نظر یوستین (۵/۶/۴۱) ارشک مدتی طولانی حکومت کرد و سرانجام در سنین پیری درگذشت و بعد از او پسرش با همین نام به حکومت رسید.

از نظر رضاخانی (۱۳۸۳: ۱۹۳-۱۹۴) شخصی که در تاریخ‌های یونانی و رومی به نام ارشک اول شناخته شده و به همین نام نیز سکه ضرب کرده، با نام شخصی تیرداد شناخته می‌شده و از سال ۲۳۸ تا ۲۱۷ یا ۲۱۴ حکومت کرده است. پس از ارشک اول (تیرداد)، پسر او، که بر مبنای سکه‌های موجود و نظر ولسکی نام سلطنتی ارشک دوم را داشته و در واقع اردوان نامیده می‌شده، تا ۱۹۱ سلطنت کرد و سپس جای خود را به پسرش فریپات<sup>۵</sup> داد.

1. Andragoras
2. pherecles
3. Agathocles
4. Phriapatius
5. Friyapāt

با وجود این اختلافات گسترده، اکثر منابع مرتبط با برآمدن اشکانی‌ها در دو موضوع با هم اشتراک دارند. یکی از این نقاط مشترک، حضور شخصی به نام ارشک در رأس این قوم است. تقریباً در همه منابع مرتبط با برآمدن اشکانی‌ها از ارشک به عنوان سرسلسله یاد می‌شود؛ مثلاً دیو (۱/۱۴/۴۰) عنوان می‌کند: این آغاز جنگ رومیان علیه پارتیان بود [...] نژاد آن‌ها (پارتی‌ها) در میان بربرهای باستانی وجود داشته و حتی در زمان پادشاهی پارسی‌ها (هخامنشی‌ها) نیز همین نام را داشته‌اند. [...] پارت‌ها ابتدا تحت رهبری شخصی به نام ارشک به شهرت رسیدند. پادشاهان بعد از ارشک با اتخاذ نام او به عنوان لقب خود به پادشاهان اشکانی معروف شدند.

یوستین (۶-۵/۵/۴۱)، استرابو (۳/۹/۱۱)، آریان (پارتیکا بخش ۱ به نقل از: فوتیوس ۵۸)، آپیان (نبردهای سوریه ۶۵: ۱۳)، هرودیان (۷/۲۱/۶)، یوسیوس (کرونیکل ۲۰۷)<sup>۱</sup>، سینکلوس (۲۸۴: ب)<sup>۲</sup>، فوتیوس (۳-۱/۵۸)، زوسیموس (۱۸/۱) و آمیانوس (۳-۲/۶/۲۳) هریک در گزارش‌های خودشان به وجود فردی به نام ارشک اقرار دارند. اما هریک از متون بالا منشأ متفاوتی برای ارشک قائل‌اند. این روایات از ارشک به عنوان یک راهزن گرفته تا ارشک باختری، سکایی، پارتی متفاوت هستند. این سردرگمی در هویت ارشک در گفته‌های استرابو (۳/۹/۱۱) به خوبی مشخص است:

به‌رحال برخی می‌گویند که آرشاس منشأ خود را از سکاها می‌گیرد، درحالی‌که برخی دیگر می‌گویند او یک باختری بود و هنگامی که از قدرت گسترده دیودوت و پیروانش فرار کرد، پارت را به شورش واداشت.

علاوه بر استرابو، یوستین (۸/۴/۴۱) نیز ارشک را فردی با منشأ نامشخص معرفی می‌کند:

یکی ارشک، مردی با منشأ نامشخص، اما با شجاعتی بی‌چون‌وچرا، در این زمان به وجود آمد.

دومین نقطه مشترک این منابع، مکان برخاستن و قدرت گرفتن اشکانی‌هاست که همگی به اتفاق بر وجود ایالت پارت سلوکی به عنوان مقر شروع و گسترش حکومت اشکانی هم‌نظرند.

سابقه حضور قومی به نام پارت در شمال شرق ایران (ایالت پارتاوا هخامنشی) در نوشته‌های یوستین به دوره‌های آشور و ماد برمی‌گردد. یوستین در همه گزارش‌های خود برای اشاره به اشکانیان از لفظ «پارتی»<sup>۳</sup> سخن به میان می‌آورد. وی ادعا می‌کند که پارتی‌ها در اصل تبعیدی‌های سکایی بودند، زیرا در زبان سکایی واژه «پارتی» به معنای تبعیدی است:

پارتیان که اکنون امپراتوری شرق در دست آن‌هاست و گویی جهان را با رومیان تقسیم کرده‌اند، در اصل تبعیدی‌هایی از سکاها بودند. این از نام آن‌ها پیداست، زیرا در زبان سکایی تبعیدیان را پارت می‌نامند (۵, ۱, ۴۱).

1. {Euseb: chro\_207}, olypiads of the Greeks, pages 191- 247

2. Syncellus 284 b in Roos 1967ii:224-226

3. Parthi

در این مورد، آمیانوس (۳-۲/۶/۲۳) در شرح هجده استان بزرگ پادشاهی ساسانی‌ها، گزارشی مشابه گزارش یوستین ارائه می‌کند که بر بی نام و نشان بودن و کم‌اهمیت بودن پارت تا قبل از قیام ارشک متکی است. از این دو گزارش به‌خوبی می‌توان سابقه قوم پارت و منطقه‌ای به همین نام را برداشت کرد که به مدت‌ها قبل از شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی برمی‌گردد. در این مورد، دبواز (۱۹۳۸: ۳-۲) مانند یوستین سابقه پارتیان و ایالت پارت را به دوره آشور و ماد برمی‌گرداند، ولی برخلاف یوستین (۵/۱/۴۱)، که آن‌ها را تبعیدی‌های سکایی می‌داند، از نظر وی ارجاعات هخامنشی‌ها و یونانی‌های اولیه به «پارتی‌ها» به ساکنان بومی و پیشین ایالت «پرتو» هخامنشی اشاره دارد.

در خصوص ریشه و مفهوم واژه پارت در میان زبان‌شناسان، آرای بسیار متضادی وجود دارد (لوزینسکی، ۱۹۵۹: ۹، جتمار ۱۹۶۷: ۲۱۴؛ پتولمی (۲/۱۰/۶) در این زمینه، توجه زیادی نیز به شناسایی کماندار پشت سکه‌های اشکانی به عنوان ارشک اول شده است. این موضوع باعث شده برخی از پژوهشگران ارشک را با آرش، تیرانداز مشهور در میان آریایی‌ها، یکی بدانند (تفضلی، ۱۹۸۶: ۲۶۸؛ لرنر، ۲۰۱۷: ۹؛ گریس، ۲۰۱۰: ۳۳).

برخی، با توجه به حضور و کاربرد این نام (پارت) در دوران هخامنشی، معنای تبعیدی از واژه پارت را اشتباه و ارتباط آن با سکه‌های سده چهارم را منتفی می‌دانند. عده‌ای از پژوهشگران، مانند هرتسفلد (۱۳۸۱: ۱۹۹) نیز پارتوکای (Partoukka) اشاره‌شده در سالنامه‌های آشوری را با پرتو (parθava) هخامنشی یکی می‌دانند و این دو را با «مادهای دوردست» در متون آشوری مطابقت می‌دهند و پارت را به‌منزله از ایالت‌های تحت سلطه مادها در نظر می‌گیرند (کاویانی و پویا، ۱۳۹۶: ۳). هرتسفلد (۱۳۸۱: ۱۹۹)، هم‌نظر با کامرون، عقیده دارد عنوان «مادهای دوردست» به کار رفته در کتیبه‌های آشوری به کسانی اشاره دارد که در آن سوی بیکنی زندگی می‌کرده‌اند و با مادهایی که در نواحی همدان ساکن بودند متمایزند. در اینجا مادهای دوردست اشاره‌شده باید همان پارت‌ها باشند. همچنین، در جای دیگری از متون تاریخی نیز می‌توان به واژه‌ای برخورد که قرابت واژگانی و معنایی بسیاری با واژه پارت و پرتوه دارد. توضیح اینکه، طبق گزارش هرودوت (۱/۱۰/۱) نام یکی از شش قبیله مادی پاراتاکنی (parataceni) است.

افزون بر این، با توجه به گزارش استرابو (۵۲۲/۱۳/۱۱) از میان شش قبیله مادی، پاراتاکنیان را به علت اینکه با پارس‌ها مرز مشترک داشتند مرزنشین نامیده‌اند. در این باره آمده است که واژه پری‌تکانه (paraitakana) که از پری‌تاکا (paraitaka) گرفته شده به معنای «در امتداد، تنگ، از کنار چیزی گذشتن» است و علت این نام‌گذاری، به احتمال زیاد، بدین دلیل بوده که پارت در مرز ماد و پارس بوده و پارتیان به‌عنوان مرزنشینان محسوب می‌شدند (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۳۵۵؛ پوردوود، ۱۳۸۰: ۶۵؛ کاویانی‌پویا، ۱۳۹۶: ۳)، بنابراین، با توجه به معنای این واژه و قلمرو این قوم در مرز شرقی ماد، می‌توان پاراتاکنیان را

همان پارت‌ها (ساکنان پرثوه) قلمداد کرد. این در حالی است که دیاکونوف (۱۳۸۳: ۱۴۲) معتقد است پارتاکنی‌ها قبیله‌ای از قبایل مادی بودند که در جهت شرقی ناحیه اصفهان کنونی سکونت داشته‌اند.

### ۶. خاستگاه اشکانیان در پرتو منابع مکتوب

در بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته درخصوص اشکانی‌ها، رویکردی یک‌جانبه به اشکانیان مشهود است؛ رویکردی که اساساً با تکیه بر منابع ادبی کلاسیکی است که به یونانی و لاتین نوشته شده‌اند (آلبریخت، ۲۰۲۱: ۲). به‌طور کلی همنظر با ولسکی (۱۹۷۴: ۱۶۵-۱۷۵) منابع مرتبط با هویت ارشک و خاستگاه اشکانی‌ها را می‌توان به دو سنت تاریخ‌نگاری مختلف تقسیم کرد: یکی متعلق به آپولودوروس<sup>۱</sup> و دنبال‌کنندگان او (یوستین و استرابو)<sup>۲</sup> و دیگری به‌وسیله آریان و دنبال‌کنندگان او (فوتیوس، زوسیموس، سینکلوس، دیو).

از نظر ولسکی (۱۹۷۴: ۱۶۵-۱۷۵)، گزارش‌های آریان به دلیل فاصله زمانی با وقایع موردبحث به نسبت آپولودوروس که شهروند شاهنشاهی پارت بوده، از حقیقت به‌دورند و با موضوعات اساطیری و سنت‌های اولیه آمیخته شده‌اند. همانند توصیف قیام ارشک به همراه پنج شخص دیگر توسط آریان که ولسکی آن را ساختگی و ریشه‌گرفته از داستان قیام داریوش هخامنشی می‌داند (همان). بزرگ‌ترین تفاوت بین این دو سنت تاریخ‌نگاری درخصوص هویت ارشک است. از نظر آریان و پیروان او، ارشک فردی بومی است که پارتیان را به شورش ترغیب می‌کند (آریان: پارتیکا بخش ۱ به نقل از فوتیوس ۵۸؛ فوتیوس: کتابخانه فوتیوس نسخه ۲، ۵۸؛ سینکلوس: ۲۸۴ب). این در حالی است که طبق نظر آپولودوروس و به تبع او یوستین (۴، ۴۱) و استرابو (۲، ۹، ۱۱) یک نیروی خارجی (پارنی) به رهبری ارشک، که او نیز یک خارجی است، علم طغیان در پارت را در دست می‌گیرند. در منابع مرتبط با ورود پارنی‌ها، از این قوم صرفاً به‌عنوان یک نیروی کمکی برای ارشک نام برده‌اند که دارای قوه تهاجمی بسیار بالا هستند. پارنی‌ها طایفه‌ای از اتحادیه سکایی داهه هستند. داهه‌ها هم‌زمان با دوره سلوکی در نواحی جنوبی آسیای مرکزی حضور داشتند و در جریان تنش‌های بین سال‌های ۳۲۸-۳۳۲ به‌عنوان مزدور به خدمت گرفته می‌شدند (ساویلیف و واسیلیف، ۱۹۹۳: ۴۲-۴۳). یوستین (۵، ۴، ۴۱) عنوان می‌کند که ارشک به همراه گروهی غارتگر به پارت حمله کرد. از این گزارش یوستین می‌توان دو نکته اساسی را برداشت کرد:

نخست، استفاده از یک گروه مزدور و غارتگر (احتمالاً پارنی‌ها) برای فتح پارت، کاری که معمولاً توسط حاکمان و سران دولت‌های یکجانشین برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود صورت می‌گرفت. این

1. Apollodorus

۲. برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: آلبریخت، ۲۰۱۳؛ سلوود، ۱۹۸۰: ۷۴.

مردم به دلیل قوه تهاجمی بالا مورد توجه حکومت‌های یکجانشین بودند و در موارد متعددی توسط این حکومت‌ها به مزدوری گرفته شده‌اند. به طوری که هخامنشی‌ها، مقدونی‌ها و رومی‌ها در لشکرکشی‌های خود از این مردم استفاده کرده‌اند (جتمار، ۱۹۶۷: ۲۱۵). بیگانه بودن پارنی‌ها و هویت متمایز آن‌ها از ارشک در گزارش استرابو (۲، ۹، ۱۱) نیز به خوبی قابل تشخیص است. در ادامه بحث و در پی تأیید فرضیه یادشده، گفتنی است که نخستین اشارات صریح به اتحادیه صحراگردان داهه در فهرست ملل کتیبه خشایارشا در تخت جمشید آمده است (داندمایف، ۱۹۸۹: ۲۷۹). با توجه به روایت اسناد، داهه‌ها اتحادیه‌ای از سه قبیله پیسور، کسانتیوی و پارنی بودند که در مناطق شرقی دریای کاسپین تا آسیای میانه در رفت‌وآمد بوده و تأثیرات شگرفی در پیشبرد اهداف سیاسی دولت‌های یکجانشینی چون دولت هخامنشی داشتند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۳۵). به طوری که در زمان اسکندر، داهه‌ها فعالانه از داریوش سوم و سپس بسوس، اردشیر و اسپیتامنس در مخالفت با اسکندر مقدونی حمایت کردند. بعید نیست که در زمان اردشیر دوم، شاهزاده‌خانم‌های هخامنشی برای ایجاد یک رابطه خونی با نخبگان داهه‌ای، به ازدواج فرماندهان آن‌ها درآمده باشند (البریخت، ۲۰۱۹: ۱۸۰-۱۸۱).

دومین نکته مورد توجه در گزارش یوستین هویت متمایز ارشک در رأس این گروه است. یوستین بی‌اطلاعی خود را از هویت ارشک اظهار می‌کند، ولی به هویت گروه همراه او تفاوتی نشان نمی‌دهد و صرفاً از آن‌ها به منزله یاغی یاد می‌کند؛ یاغیانی که ظاهراً توسط یکی دیگر از سران دولت‌های یکجانشین (در این مورد ارشک) به خدمت گرفته شده‌اند. مواردی از جمله حضور فردی به نام ارشک که نقش رهبری سواره‌نظام پارتی خشایارشا در جنگ با یونانیان را برعهده داشته بر پارتی بودن ارشک تأکید دارند (دبواز، ۱۹۳۸: ۲-۳). با توجه به روایت منابع مکتوب، اگر پارنی‌ها را صرفاً یک گروه نظامی تلقی کنیم، این گروه می‌توانند در این زمان نیز به درخواست یک دولت یکجانشین وارد استان سلوکی پارت شده باشند. حال این ورود می‌تواند یا به درخواست ارشک و ساکنان بومی پارت (که پیش از این نیز دست به شورش زده بودند) یا سلوکی‌ها، برای دستیابی به مقاصد سیاسی مد نظرشان صورت گرفته باشد. در این صورت، آن‌ها نمی‌توانند تغییرات فرهنگی و اجتماعی چندانی در جامعه پارت ایجاد کرده باشند.

استرابو (۱، ۱، ۱۵) در توصیف ایالت پارت قبل از شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی، از این ایالت به‌عنوان سرزمینی بسیار فقیر یاد می‌کند که توانایی پرداخت خراج را نیز نداشته‌اند. در عوض از ایالت مجاور پارت، یعنی هیرکانیا، در گزارش استرابو به‌عنوان ایالتی حاصلخیز و ثروتمند یاد شده است. با فرض حمله پارنی‌ها به رهبری ارشک به مناطق شرقی ایران، هیرکانیا به لحاظ منابع در دسترس مکان مناسب‌تری جهت تصرف و استقرار بعدی بوده است. حال آنکه پارنی‌های مذکور، با وجود همسایگی طولانی‌مدت با پارت و هیرکانیا، در ناحیه اوزبی و آگاهی کامل از وضعیت اقتصادی هر دو ایالت تصمیم به تصرف ایالت پارت (فقیرتر) می‌گیرند، ابهامی بزرگ در خصوص صحت این حمله بر جای می‌گذارد. در این زمان نیز



آن‌ها (پارسی‌ها) می‌توانند به‌عنوان یک ابزار در خدمت پیشبرد اهداف سیاسی دولت‌های یکجانشین به کار گرفته شده باشند. بنابراین، گفته‌های آریان و دنبال‌کنندگان او، که ساکنان بومی پارت و درحقیقت یک عنصر محلی را مسبب ایجاد شورش و درنهایت برخاستن پارسی‌ها (اشکانیان بعدی) می‌دانند، به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود. حال این شورش داخلی می‌تواند به کمک یک نیروی مزدور خارجی (پارسی) صورت گرفته باشد. پارسی‌های مذکور بعدها می‌توانند به استخدام ارتش پارت درآمدی باشند. شاید به کمک این نیروی نظامی بسیار قوی است که اشکانی‌ها بعدها شکست‌های سنگینی را بر رومیان تحمیل می‌کنند.

یوستین (۳-۴، ۲، ۴۱) در گزارش خود دربارهٔ آداب و رسوم پارسی‌ها عنوان می‌کند که آن‌ها شبیه به مادی‌ها لباس می‌پوشند و زبانشان شبیه به زبان مادی‌هاست. این گزارش با توجه به سابقهٔ روابط مادی‌ها و هخامنشی با پارسی‌ها، فرضیهٔ آریان را قوت می‌بخشد. افزون بر این، استفاده اشکانی‌ها از الگوهای هخامنشی در اداره حکومت خود، ارجاعات آن‌ها به سنت‌های هخامنشی که شواهد آن را می‌توان در دورهٔ حکومت ارشک اول (حک ۲۱۱-۲۴۸) و ارشک دوم (حک ۱۹۰-۲۱۱) مشاهده کرد؛ مانند استفاده از دیهیم و تیارای سلطنتی نرم یا همان کیرباسیا (البریخت، ۲۰۱۹: ۱۸۱). استفادهٔ آن‌ها از رسم زردشتی و ایرانی روشن کردن آتش تاج‌گذاری در آساک و همچنین استفاده از عنوان ایرانی «کرنی»<sup>۱</sup> روی سکه‌های اولیهٔ ارشک، که بدون شک از هخامنشی‌ها گرفته شده، در کنار مواردی چون اذعان اشکانی‌ها به رابطهٔ سببی با هخامنشی‌ها<sup>۲</sup>، استفاده از خط و زبان آرامی (خط و زبان رسمی دربار هخامنشی) در سکه‌های اولیهٔ اشکانی و همچنین در سفال‌نوشته‌های نیسا، استفاده از سیستم مالیات‌گیری هخامنشی (برای نمونه: پیمان‌های وزنی هخامنشی؛ مَر \_ قَ در سفال‌نوشته‌های نیسا<sup>۳</sup>) نشان می‌دهد که فرهنگ هخامنشی در کنار عناصر یونانی نقش مهمی در ساختار سیاسی و اجتماعی شاهنشاهی پارسی ایفا کرده‌اند و عنصر سوم به نام عنصر عشایری (پارسی-سکایی) نقش به‌نسبت کمتری در این میان داشته‌اند. باین‌حال، خواه بازیزگر اصلی استقلال کامل پارسی‌ها از حکومت سلوکی ساکنان بومی پارت باشند و خواه پارسی‌ها، این اتفاق نمی‌تواند در قرن سوم رخ داده باشد (استروتمن، ۲۰۱۸: ۱۳۰).

#### 1. kmy

۲. با توجه به گزارش سینکلوس اشکانی‌ها نسب خود را به اردشیر دوم هخامنشی می‌رسانند (سینکلوس: ۲۸۴ب) همچنین تاکیتوس عنوان می‌کند اردوان سوم در مذاکرهٔ خود با روم نه‌تنها خواستار استرداد اموال متعلق به ونون شد، بلکه خواستار تصدیق روم به مالکیت او در مورد ارمنستان و دیگر سرزمین‌های شرق شد، زیرا این مناطق زمانی به دولت هخامنشی و امپراتوری اسکندر مقدونی تعلق داشتند که اردوان خود را وارث بر حق آن‌ها می‌دید (تاسیتوس، ۱/۳۱/۶).

۳. برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۲؛ لیوشت و پیلیکو، ۲۰۰۴: ۱۹۳؛ تاسیتوس، ۱۹۹۴: ۱۹۳.

## ۷. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، با توجه به مواردی چون سابقه حضور قومی به نام پارت در ایران، که به مدت‌ها پیش از شروع دوره اشکانی بازمی‌گردد، اذعان خود اشکانیان به داشتن رابطه سببی با هخامنشی‌ها و ایرانی بودن نام شاهان این خاندان، قیام پارتی‌ها می‌تواند با محوریت جامعه بومی پارت و به رهبری ارشک (با کمک مزدوران پارنی خود) صورت گرفته باشد. رابطه نزدیک پارس و پارت، اهمیت و جایگاه پارتی‌ها نزد هخامنشی‌ها و اذعان اشکانی‌ها به خویشاوندی با هخامنشی‌ها، فرضیه مهاجرت یا حضور ناگهانی اشکانی‌ها در قالب قومی به نام پارنی در میانه سده سوم را کم‌رنگ‌تر می‌کند. بنا بر شواهدی که از امپراتوری سلوکی در سده سوم تا اوایل سده دوم داریم، به نظر می‌رسد این قیام نمی‌تواند به استقلال کامل پارتی‌ها در این زمان منجر شده باشد. درخصوص هویت ارشک، همچنان ابهامات زیادی باقی می‌ماند، اما حضور اشخاصی با نام ارشک در طبقات بالای ارتش هخامنشی و گزارش مورخان چون آریان و دنبال‌کنندگان او (دیو، سینکلوس و زوسیموس، فوتیوس) او را شخصی بومی پارت معرفی می‌کنند. همچنین، تفاوت آرا درباره شهرت سلوکی در ایالت پارت که به طور متفاوتی آندراگوراس<sup>۱</sup> توسط یوستین، فرکلس<sup>۲</sup> توسط فوتیوس و آگاتاکلس<sup>۳</sup> توسط سینکلوس، بیان شده، احتمال این را که این سه شخصیت ساختگی باشند بالا می‌برد که در این صورت در نظر گرفتن ارشک به‌عنوان ساتراپ پارت چندان دور از ذهن نیست. ساتراپ بودن ارشک در گزارش سینکلوس مطرح شده است.

با اینکه پی بردن به هویت ارشک و اشکانیان نیازمند پژوهش‌های بیشتری در این زمینه است، نگاهی ساده به پیشینه حکومت‌هایی چون هخامنشی، سلوکی و ساسانی در فلات ایران نشان می‌دهد که هخامنشی‌ها و ساسانی‌ها از یک پایگاه اجتماعی به نام پارس (استان فارس امروزی) و رهبری اشخاصی با جایگاه اجتماعی بالا به نام‌های هخامنش و ساسان بهره می‌بردند. درست به‌مانند این دو، پارتی‌ها/ اشکانی‌ها نیز می‌توانسته‌اند از وجود چنین رهبر و پایگاه اجتماعی استفاده کرده باشند. خاندان ارشک می‌تواند در کنار خانواده‌هایی چون سورن، کارن، اسپهبد و نوذر از خانواده‌های اشرافی آن دوره بوده باشند. این نگاه فرضیه ایرانی بودن و بومی بودن اشکانیان/ پارتیان را قوت می‌بخشد. در این میان، سلوکی‌ها از این امتیاز برخوردار نبوده و همواره در طول دوران حکومت خود از طریق اقداماتی چون ایجاد شهرهایی مزین به نام پادشاهان این خاندان و کوچ دادن یونانی‌ها به فلات ایران به دنبال مقبولیت اجتماعی و یافتن پایگاه اجتماعی مناسب بودند. حتی اگر ارشک را یک بیگانه بدانیم، او سرانجام به‌عنوان یک قهرمان «پارتی» شناخته شد. بنابراین، جای تعجب ندارد زمانی که یوستین عنوان می‌کند:

1. Andragoras
2. pherecles
3. Agathocles

جایگاه او (ارشک) در میان پارتیان کمتر از کورش در میان پارسیان و اسکندر در میان مقدونی‌ها و رومولوس در میان رومی‌ها نیست.

### پی‌نوشت‌ها

- i. برای آگاهی بیشتر در خصوص روابط بین اشکانی‌ها و قبایل کوچ‌رو آسیای مرکزی بنگرید به: (البریخت، ۲۰۱۵: ۳۴۱-۳۷۶).
- ii. هرچند با رجوع به منبع ارائه‌شده (بیوان، ۱۹۰۲) از سوی سلوود چنین اشاره‌ای رویت نشد.
- iii. شوربختانه مترجم کتاب *تاریخ کمبریج* و مقاله سلوود جمله‌ای از خود به کتاب افزوده که موجبات گمراهی در برگردان این واژه را برای مورخان و پژوهشگران فارسی زبان فراهم ساخته است. توصیه می‌شود به کتاب *تاریخ ایران کمبریج* زبان اصلی مراجعه شود.
- iv. در خصوص اطلاع از نسبت ارشک اول و دوم و همچنین آگاهی از ماهیت کلمه «ارشک» رجوع کنید به: رضاخانی ۱۳۸۳.
- v. برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: (البریخت، ۲۰۱۳: ۷۴؛ سلوود، ۱۹۸۰: ۲۳).
- vi. با توجه به گزارش سینکلوس اشکانی‌ها نسب خود را به اردشیر دوم هخامنشی می‌رسانند (سینکلوس: ۲۸۴ب)، همچنین تاکیتوس عنوان می‌کند اردوان سوم در مذاکره خود با روم نه‌تنها خواستار استرداد اموال متعلق به ونون شد، بلکه خواستار تصدیق روم به مالکیت او در مورد ارمنستان و دیگر سرزمین‌های شرق شد، زیرا این مناطق زمانی به دولت هخامنشی و امپراتوری اسکندر مقدونی تعلق داشتند که اردوان خود را وارث بر حق آن‌ها می‌دید تاسیتوس، ۱/۳۱/۶).
- vii. برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: (دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۲ لیوشت و پیلپیکو ۲۰۰۴: ۱۹۳؛ تاسیتوس ۱۹۹۴: ۱۶۳).

### منابع

- بدیع، امیر مهدی (۱۳۸۴). *یونانیان و بربرها* (روی دیگر تاریخ)، ترجمه قاسم صنعوی، ج ۶، دفتر اول و چهارم، تهران: توس.
- پوردوود، ابراهیم (۱۳۸۰). *میهن، فرهنگ ایران باستان*، تهران: اساطیر.
- تامارا، تالیوت رایس (۱۳۸۸). *سکاها*، ترجمه رقیه بهزادی. تهران: طهوری.
- رضاخانی، خداداد (۱۳۸۳). «تیرداد و اردوان، نگاهی به نسب‌نامه نخستین شاهان اشکانی». *مجله فرهنگ*، بهار و تابستان، ش ۴۹-۵۰، ۱۹۳-۱۹۴.
- کاویانی‌پویا، حمید (۱۳۹۶). «بررسی موقعیت جغرافیایی دهه و جایگاه سیاسی، نظامی و اقتصادی پرنوه/ پارت در

- عصر ماد و هخامنشی»، مجله پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش ۲۴، ۱-۱۴.
- دیباکونوف، ا.م. (۱۳۸۳). تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۸۹). «شهر دارا با استناد به نظر مورخان کلاسیک و معاصر و یافته‌های باستان‌شناسی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، س ۲، ش ۳، بهار و تابستان.
- نیبرگ، س (۱۳۸۳). دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- نصراله‌زاده سیروس؛ گرشاسبی، اشکان (۱۳۹۵). «لقاب و عناوین پادشاهان اشکانی بر روی سکه‌ها»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، س ۲۶، دوره جدید، ش ۱۸، پیاپی ۱۰۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- هرتسفلد، ا (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ولسکی، ی (۱۳۸۳). شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

Appian, The Syrian Wars 13: <https://www.livius.org/>.

Arrian's History of the Expedition of Alexander the Great, and Conquest of Persia. J. Davis, 1812.

Assar, G. F. 2004, Genealogy and coinage of the early Parthian rulers. II. A Revised Stemma. *Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers. II. A Revised Stemma*, 1000-1035.

Beckwith, C.I., 2009, *Empires of the Silk Road*. Princeton University Press.

Briant, P., 1984, L'Asie centrale et les royaumes proche-orientaux du premier millénaire (c. VIII-IV siècles avant notre ère). *Mémoire de l'institut mauritanien de la recherche scientifique*, (42), pp.1-113.

Bevan, E. R. 1902, *The house of Seleucus* (Vol. 2). E. Arnold.

Cassius, D. The history by cassius Dio book 40.15.2,49.20.2: published in Vol. V of the Loeb Classical Library edition, 1917.

Colledge, M.A., 1977, *Parthian art*. Elek.

Debevoise, N.C., 1938, *A political history of Parthia* (pp. 121-47). Chicago: University of Chicago Press.

Dandamaev, Muhammad A. 1989, *A Political History of the Achaemenid Empire*. LEIDEN: Brill.

Dabrowa, E. 2008, The political propaganda of the first Arsacids and its targets (from Arsaces I to Mithradates II). *The Political Propaganda of the First Arsacids and its Targets (From Arsaces I to Mithradates II)*, 1000-1007.

Dilmaghani, J. 2017, History of Parthia based on the Coins Part One: the beginning.

Ellerbrock, U. 2021. *The Parthians: The Forgotten Empire*. Routledge.

Eusebius: Chronicle Olympiads of the greeks- pages 191-247:  
<http://www.attalus.org/bc3/year247.html#1>

Frye, R. N. 1984, *The history of ancient Iran* (Vol. 7). CH Beck.

Garrison, M. B. 2010, "Archers at Persepolis: The emergence of royal ideology at the heart of the empire." In J. Curtis and St. J. Simpson (eds.) *The world of Achaemenid Persia: history, art and society in Iran and the ancient Near East*. Proceedings of a conference at the British Museum 29th September– 1st October 2005, 337–359. London, British Museum.

- Gleason, C. W. 1897. *The Cyropaedia of Xenophon*. American Book Company.
- Herodotus, 1931, *Herodotus, with an English Translation by AD Godley*. London,, New York,: W. Heinemann;, GP Putnam's sons.
- Hauser, S. R.2013b. "The Arsacids (Parthians)." In *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, edited by Dan Potts. New York: Oxford University Press.
- Justinus: Epitome of Pompeius Trogus' Philippic Histories Translated by Rev. J.S.Watson (1853).
- Jettmar, K., 1967, *Art of the Steppes*. Greystone Press.
- Kidd, F. 2016. "Complex Connections: Figurative Art from Akchakhan-Kala and the Problematic Question of Relations between Khorezm and Parthia" 17: 229–76.
- Lerner, J. 2017, Mithridates I and the Parthian archer. *Arsacids, Romans and Local Elites*, 1-24.
- Lerner, J.D., 2003, Correcting the early history of Āy Kānoum. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 35, p.393.
- Lerner, J.D., 1999, *The impact of Seleucid decline on the Eastern Iranian Plateau: the foundations of Arsacid Parthia and Graeco-Bactria* (Vol. 123). Franz Steiner Verlag.
- Lozinski, B.P., 1959, The original homeland of the Parthians.
- Marcellinus, A., 2020, *The Roman History of Ammianus Marcellinus*. Wyatt North Publishing, LLC.
- Overtoom, N. L. 2021, A Fight to Reclaim the Central Asian Frontier. The Seleucid and Parthian Rivalry in the 230s BC.
- Overtoom, N. L.2016. "The Power-Transition Crisis of the 240s BCE and the Creation of the Parthian State." *International History Review* 38 (5): 984–1013. <https://doi.org/10.1080/07075332.2016.1140669>.
- Olbrycht, M. J.2021, *Early Arsakid Parthia (ca. 250-165 BC): At the Crossroads of Iranian, Hellenistic, and Central Asian History*. Brill.
- Olbrycht, M. Jan. 2019, "The Memory of the Past: The Achaemenid Legacy in the Arsakid Period." *Studia Litteraria Universitatis Iagellonicae* 14.
- Olbrycht, M.J 2015, "Arsacid Iran and the Nomads of Central Asia—Ways of Cultural Transfer." Complexity of Interaction along the Eurasian Steppe Zone in the First Millennium CE 333–90. Wolski, J., 1947. Effondrement de la domination des Séleucides en Iran au III-e siècle av. J.-C.(fr.).
- Olbrycht, M. J. 2013, "The Titulature of Arsaces I, King of Parthia." *The Titulature of Arsaces I, King of Parthia* 63–74.
- Olbrycht, M. J. 2003, Parthia and nomads of Central Asia. Elements of steppe origin in the social and military developments of Arsacid Iran. *Difference and Integration*, 3(3).
- Olbrycht, M. 1998, "Die Kultur Der Spetengebiete Und Die Beziehungen Zwischen Nomaden Und Der Sischaften Bevolkerung (Der Arsakidische Iran Und Die Nomadenvolker)." Pp. 11–44 in *In Das Partherreich und seine Zeugnisse*, edited by Josef Wishofer. Stuttgart: Franz Stenier Verlag Stuttgart.
- Olbrycht, M.1997b. "Parthian King's Tiara—Numismatic Evidence and Some Aspects of Arsacid Political Ideology." *Notae Numismaticae* 2: 27–65.
- Polybius: the history of polybius, book X.27, XI.34.5: published in Vol. IV of the Loeb Classical Library edition, 1922 thru 1927.
- Pilipko, V., & Livshits, V. 2004, Parthian ostraca from the central Building complex of old

- Nisa. *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia*, 10(1-2), 139-181.
- Photius, Bibliotheca at The Tertullian Project: <https://www.tertullian.org>.
- Ptolemy. *Geographia*. Translated by Jacobus Angelus (c. 1406).
- Rostovtzeff, M. 1936. "The Sarmatae and Parthians." *Cambridge Ancient History*, XI 94.
- Sellwood. D., 1980, *The Introduction to the Coinage of Parthia*, 2<sup>nd</sup> Edition, Spink and Son Ltd., London.
- Sellwood. D., 2006, *Parthian Coin*, (Ch. 8(a)), *The Cambridge history of Iran*, Vol. 3 : The Seleucid, Parthian and Sasanian periods, Part1. Iran History, By: Yarshater, Ehsan, Printed in the United Kingdom at the University Press, Cambridge.
- Sherwin-White, S.M. and Kuhrt, A., 1993, *From Samarkhand to Sardis: A new approach to the Seleucid empire* (Vol. 13). Univ of California Press.
- Shahbazi, A. 1986, *Arsacids – Origins*. *Encyclopaedia Iranica*. Available online: <https://iranicaonline.org/articles/arsacids-i> (visited 09/04/2021).
- Strootman, R. 2018, *The Coming of the Parthians: Crisis and Resilience in the Reign of Seleukos II. The Seleukid Empire, 281–222 BC*, pp.129-50.
- Strabo. n.d. "LacusCurtius • Strabo's Geography — Book XI Chapter 3." Retrieved December 7, 2020: ([https://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Strabo/11C\\*.html](https://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Strabo/11C*.html)).
- Strabo, 1949, *The Geography of Strabo: With an English Translation by Horace Leonard Jones*. Harvard University Press.
- St. Jerome ( Hieronymus ) for Olympiads 111 to169: Chronological Tables 110 B.C.] translated by A.Schoene.
- Syncellus 284 b in Roos 1967ii:224-226:
- Syncellus (<http://www.attalus.org/translate/fgh.html#156.30>).
- Sellwood, D. 1980, *An Introduction to the Coinage of Parthia*. London: Spink & Son.
- Schippmann. K. "ARSACIDS ii. The Arsacid dynasty," *Encyclopaedia Iranica*, II/5, pp. 525-536, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/arsacids-ii>.
- Tafazzolī, A. 1986, "Āraš Kay" /*Encyclopaedia Iranica Online Edition/ Vol. II, Fasc. 3*, pp. 267-268; an updated version is available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/arasakay-avestan-kavi-arsan-a-member-of-the-kayanid-dynasty-iniranian-legend>.
- Tacitus, 1994, *The Annals & the Histories the Great book of the Western world* (M.J. Adler) ed, Chicago.
- Wolski, J., 1993, *L'empire des Arsacides*. Brill.
- Wroth, W.W., 1903, *Catalogue of the Coins of Parthia* (Vol. 23). The Trustees.
- Zosimus I - 18 in: <https://www.livius.org/sources/content/zosimus/zosimus-new-history-1/zosimus-new-history-1.18>.
- Васильев, В. Н. and Н. С. Савельев. 1993, "Ранние Дахи Южного Урала По Письменным Источникам."
- Кошеленко, Г. А. 1968, *Некоторые вопросы истории ранней Парфии. ВДИ, 1*, 53-71